



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

س : حکم هتک قرآن چیست ؟

ج : حرام است و حاکم شرع در بعض مراتب تعزیر و بعض مراتب حکم به قتل می نماید^۱.

اهانت به قرآن

س : اگر کسی عمداً قرآن را به زمین بزند آیا کفاره دارد ؟ اگر سهواً به زمین بیفتد چگونه است ؟

ج : در صورت عمد گناه بزرگی انجام داده است و چه بسا کسانی که این کار را می کنند مرتد شوند و باید توبه کنند و آن کار بد خود را با اعمال نیک آینده جبران نمایند .
و اما در صورت سهو گناهی نکرده ، لکن در هر صورت باید خیلی مواظبت کند و کفاره ای ندارد^۲.

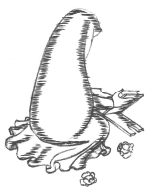
س : اگر کسی قرآن یا کتابی که آیه قرآن در آن است را عمداً یا سهواً به زمین بزند آیا کفر محسوب می شود یا خیر ؟

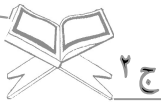
ج : تا شخص انکار خدا یا رسول یا یکی از ضروریات را نکند حکم به کفر او نمی شود^۳.

۱. آیت الله سید محمد شاهرودی ، استفتائات ج ۲ ص ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۳۰۹ و ص ۹۳ س ۱۸۶ .

۲. آیت الله مکارم شیرازی ، استفتائات جدید ج ۳ ص ۶۱۲ و ۶۱۳ س ۱۷۶۲ .

۳. مرحوم امام ، استفتائات ج ۳ ص ۵۹۲ س ۷۰ .





توهین از روی خشم و غضب

س : شخصی عصبانی شده و بر اثر خشم و غضب ، قرآن کریم را پاره پاره نموده و بعداً پشیمان شده ، در حال حاضر چنین شخصی چه وظیفه و حکمی دارد ؟

ج : نَعُوذُ بِاللَّهِ تَعَالَى مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، این مسأله به دو صورت ممکن است مورد سؤال واقع شود :

• یکی از جهت حکم آن اگر نزد حاکم شرعی ثابت شود .
 • و یکی از جهت حکم شخصی و فردی فاعل این عمل ، که فیما بینه و بین الله^۴ عمل کند .
 اما حکم حدّی که برای این عمل در صورت وقوع به عمد و اختیار و ثبوت آن نزد حاکم ثابت می شود ، قتل است که در صورت ثبوت نزد حاکم شرع جامع الشرائط ، حاکم به وظیفه خود عمل می نماید .

ولی جواز آن از طرف غیر که مثل سَابِّ الله^۵ و سَابِّ النَّبِيِّ و الْاِئِمَّةِ عليهم السلام باشد ، محل اشکال است ، بنابراین در این جهت امر با حاکم است و دائر مدار ، ثبوت آن عند الحاکم^۶ است .

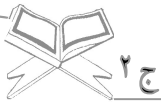
و اما نسبت به تکلیف شخصی فاعل این اهانت بسیار عظیم ، اگر به نحوی بوده که می داند این اهانت از او در حال سلب اختیار واقع شده که شاید فرض آن بعید باشد

^۴ . فیما بینه و بین الله : در آنچه بین او و خداوند متعال است .

^۵ . سَاب : دشنام دهنده .

^۶ . عند الحاکم : نزد حاکم شرع .





ظاهراً چیزی بر او نیست .

مع ذلک^۷ چون نفس عمل بسیار مغضوب الهی است ، فاعل آن اگر چه بدون اختیار و بلکه سهو و اشتباه هم از او صادر شده باشد اگر مؤمن باشد ، صدور آن را از خودش موجب شرمندگی و سقوط مرتبه می‌شمارد و به درگاه خدا با تضرع از آن ، معذرت می‌خواهد مثل بنده‌ای که فرزند مولایش را در خواب یا به گمان این‌که دشمن مولی است کشته باشد که مع ذلک در مقام عذر خواهی برمی‌آید .

و اگر العیاذ بالله با عمد و اختیار از او این گناه بزرگ صادر شده باشد اولاً عقد ازدواج او با زوجه‌اش منحل شده^۸ و زوجه‌اش با این عمل قبیح از زوجیت او خارج می‌شود ، بنابراین اگر بخواهند با هم بمانند باید با رضایت زوجه دوباره او را عقد نماید .

و ثانیاً به مجرد صدور این عمل ، اموال او به ورثه او کما فرض الله^۹ منتقل شده که باید یا به تصرف آن‌ها بدهد و یا در تصرف در آن اموال از ورثه اذن بگیرد ولی توبه او قبول است .

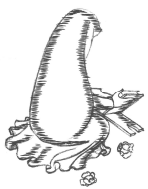
و اگر مسأله نزد حاکم شرع مطرح نشده ، اقرار نزد او لازم نیست بلکه اگر مطرح شده باشد نیز اقرار نزد او واجب نمی‌باشد^{۱۰} .

^۷ . مع ذلک : با این وجود .

^۸ . منحلّ : باطل شده .

^۹ . کما فرض الله : آن چنان که خداوند متعال واجب کرده است .

^{۱۰} . آیت الله صافی گلپایگانی ، جامع الاحکام ج ۱ ص ۳۷۳ و ۳۷۴ س ۲۱۶۷





ارتداد در صورت قصد و اراده

س : آیا با توهین و فحاشی به قرآن العیاذ بالله مسلمان ، مرتد می‌شود و تکلیف کسانی که می‌بینند او مکرّر توهین می‌کند چیست ؟

ج : اگر توهین و فحاشی از روی عصبانیت باشد و عصبانیت به حدّی بوده که از خود بی‌خود شده باید توبه کند . اما اگر با قصد و اراده و ناشی از عداوت با پیامبر صلی الله علیه و آله یا ائمه علیهم السلام باشد ، محکوم به نجاست است و اگر به انکار رسالت برگشت کند علاوه بر نجس بودن ، محکوم به ارتداد هم است . در هر حال وظیفه کسانی که متوجه این عمل او می‌شوند ، نهی از منکر و اجتناب از اوست ، تا حاکم شرع تکلیف او را معین کند^{۱۱} .

تکلیف دیگران در برابر اهانت کننده

س : وظیفه ما در برابر کسی که علناً به قرآن بی‌ادبی می‌کند چیست ؟

ج : چنانچه از روی عصبانیتی باشد که فاقد قصد بوده باید توبه کند ولی محکوم به کفر نیست و اگر از روی اختیار باشد و به انکار رسالت برگردد مرتد است و احکام مرتد بر او جاری می‌شود^{۱۲} .

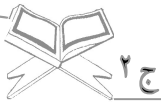
تفسیر به رأی و تأویل نابجا

تفسیر و تأویل صحیح قرآن دارای موازین و شرایطی است که مراعات آن لازم و ترک

^{۱۱} . آیت الله فاضل لنکرانی ، جامع المسائل ج ۱ ص ۴۴ و ۴۵ س ۹۴ .

^{۱۲} . آیت الله تبریزی ، استفتانات جدید ج ۱ ص ۴۴۲ س ۱۹۳۱ .





آن موجب تخریب و بروز هرج و مرج در مفاهیم دینی خواهد گردید .

• تأویل قرآن نباید به گونه‌ای باشد که تنزیل^{۱۳} را نابود سازد .

• همچنین نباید مخالف با اصول قطعی باشد .

• و باید شاهد و مؤید شرعی از ناحیه عترت طاهره علیهم‌السلام، تأویل را تأیید نماید .

و شرایط دیگر . . .

فقط از گفته معصوم علیه‌السلام می‌توان اطمینان پیدا کرد که تأویل صحیح است و آنچه بیان

می‌شود از بطون قرآن کریم است .

و اما تأویل بطون قرآن کریم از هر کسی آن گونه که دلش می‌خواهد سبب می‌شود

سنگ روی سنگ باقی نماند .

تفسیر به رأی عیب بزرگ تصوف^{۱۴}

قرآن صریحاً می‌گوید : بلسان عربی مبین ، به زبان عربی روشن و همه کس فهم نازل

شده ، یعنی همان‌طور که مردم مقاصد خود را به یکدیگر القا می‌کنند ، قرآن حقایق را

شرح می‌دهد ، منتهی قرآن طوری است که هر چه در آن بیشتر تعمق شود مطالب

تازه‌تری به دست می‌آید ، بدون این که لازم باشد انحرافی از موازین و قواعد لفظی پیدا

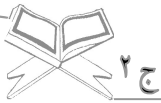
کرد .

^{۱۳} . مفهوم ظاهری قرآن .

^{۱۴} . اهل عرفان هرگاه با عنوان فرهنگی یاد شوند با عنوان (عرفاء) و هرگاه با عنوان اجتماعی‌شان یاد شوند غالباً با عنوان

(متصوفه) یاد می‌شوند . شهید مطهری ، کلیات علوم اسلامی ج ۲ عرفان ص ۷۶





از طرفی قرآن پیروی از متشابهات را قدغن ساخته است و این خود دلیل روشنی بر ابطال طرز تفکر صوفیان است .

ما می‌دانیم که از روز نخست الفاظ و کلمات برای این به وجود آمد که مردم مقاصد خود را طبق قراردادهایی که در معانی و الفاظ دارند (یعنی هر لفظی را نشانه معنای معینی قرار داده‌اند) به یکدیگر حالی کنند ، الفاظ قرآن و اخبار در عین این که عمیق و پرمعنی است ، باز خارج از حدود موازین لفظی نیست و اما بطون قرآن مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام است .

هرگاه باب تأویل و تفسیرهای دلخواه باز شود ممکن است کسی بگوید :

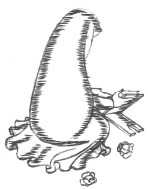
منظور از بریدن دست دزد که در آیه شریفه السارق و السارقة فاقطعوا أيديهما وارد شده ، این است که دزد را آن قدر نصیحت کنیم و کمک لازم مالی نماییم که در آینده دستش از دزدی کردن قطع و کوتاه شود !

منظور از صد ضرب تازیانه که درباره زن و مرد بدکار در آیه شریفه الزانية و الزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائة جلدة آن است که آن‌ها را صد بار ملامت و سرزنش کنیم و تازیانه روحی به آن‌ها بزنیم !

و منظور از عذاب دوزخ چشیدن آب گوارای آن است !

و شیطان که بر آدم سجده نکرد به خاطر کمال توحیدش بود و اتفاقاً بعضی از

صوفیان شیطان را رئیس الموحدین می‌نامند . . .





این جاست که باید گفت یکی از عیوب بزرگ تصوف ، همان تفسیر به رأی و قانون شکنی است ...^{۱۵}

سران صوفیه و تفاسیر نابجا

از ابوسعید ابوالخیر نقل می کنند که گفت : چون حالت به ما روی داد دیگر از کتب و دفاتر خود راحت نمی یافتیم ، از خدا خواستم که مرا آسایش خاطری دهد ، خداوند به من تفضل کرد کتابها را از خود دور ساختم ! و به تلاوت قرآن مشغول شدم .

از فاتحة الكتاب شروع کرده می خواندم تا در سوره انعام به این آیه رسیدم ، قل الله ثم ذرهم فی خوضهم يلعبون ، این جا کتاب از دست بنهادم هر چند کوشیدم تا یک آیه دیگر پیش رویم راه نیافتیم ، آن (یعنی قرآن را) هم به گوشه ای گذاردیم !! ...

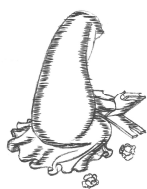
مرحوم علامه مجلسی در بحار الانوار نقل می کند که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در هر سه روز یک ختم قرآن می کردند ...

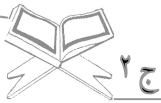
خواننده محترم ، به عقیده شما آیا باید به دستورات پیشوایان بزرگ اسلام رفتار کنیم ، و یا گوش به سخنان ابوسعید ابوالخیر بدهیم ؟ اینها مطابق کدام دستور رفتار می کردند و از کدام پیغمبر و امام پیروی می نمودند ؟ آیا به ما حق می دهید که درباره مرتکبین این گونه کارها بگوییم : إن يتبعون إلا الظن و ما تهوى الأنفس^{۱۶} .^{۱۷}

^{۱۵} . آیت الله مکارم شیرازی ، جلوه حق ص ۲۰۷ و ۲۰۸

^{۱۶} . فقط از گمان و هواهای نفسانی تبعیت می کنند .

^{۱۷} . آیت الله مکارم شیرازی ، جلوه حق ص ۱۰۸ .





تفسیر و تأویل یا شیطنت

- ابن عربی^{۱۸} به گونه‌ای آیات وارده درباره حضرت نوح علیه السلام را تفسیر و تأویل می‌نماید که از آن، شیطنت و اهانت به قرآن، هویدا است.^{۱۹}
- همچنین آیات مربوط به عذاب فرعون^{۲۰}.
- و نیز آیات مربوط به خواب دیدن حضرت ابراهیم علیه السلام را با عینک تکبر خود معنا می‌کنند.^{۲۱، ۲۲}
- ادعای ربوبیت فرعون (فقال أنا ربکم الأعلى^{۲۳}) را، صحیح پنداشته و می‌پذیرند.^{۲۴}

تذکر: برخی از انحرافات ابوسعید ابوالخیر در پیام دین (موسیقی ج ۷) ذکر شده است .

^{۱۸} . محیی الدین ابن عربی ، م ۶۲۸ مؤلف کتاب‌های فصوص و فتوحات مکیه از سران صوفیه و عرفان اصطلاحی است . جهت آشنایی بیشتر با شخصیت او می‌توانید به کتاب داوری‌های متضاد درباره ابن عربی مرحوم داود الهامی مراجعه نمایید .

^{۱۹} . توضیح این مطلب در صفحات بعد ذکر می‌شود .

^{۲۰} . توضیح این مطلب هم در صفحات بعد ذکر می‌شود .

^{۲۱} . ابن عربی می‌گوید : حضرت ابراهیم علیه السلام نفهمید و خوابش را اشتباه تعبیر کرد ! تعبیر خوابش ذبح گوسفند بود نه ذبح فرزند !

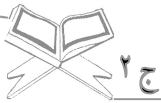
^{۲۲} . ابن عربی : أن ابراهیم الخلیل علیه السلام قال لإبنه : إني أرى في المنام أتى أذبحك والمنام حضرة الخيال فلم يعبرها وكان كبش ظهر في صورة ابن ابراهیم في المنام ، فصدق ابراهیم الرؤيا ففداه ربّه من وهم ابراهیم بالذبح العظيم الذي هو تعبیر رؤياه عندالله و هو لايشعر . . . و قال الله تعالى لإبراهیم علیه السلام حين ناداه : أن يا ابراهیم ، قد صدقت الرؤيا وما قال له صدقت في الرؤيا أنه ابنك ، لأنه ما عبرها ، بل أخذ بظاهر ما رأى والرؤيا تطلب التعبير .

شرح فصوص قیصری فص اسحاقیه ص ۶۱۶ تا ۶۱۹ ، ممدالهم ص ۱۷۰ تا ۱۷۳

^{۲۳} . نازعات ۲۴

^{۲۴} . می‌گوید : و لما كان فرعون في منصب التحكم صاحب الوقت و أنه الخليفة بالسيف . . . لذلك قال : أنا ربکم الأعلى أي و إن كان الكل أرباباً بنسبة ما ، فأنا الأعلى منهم بما أعطيته في الظاهر من التحكم فيكم . . . فصح قوله أنا ربکم الأعلى و إن كان عین





• و آیه و إن تظاهرا عليه فإن الله هو مولاه و جبریل و صالح المؤمنین^{۲۵}.

• و آیه إنک لاتهدی من أحببت و لكن الله یهدی من یشاء و هو أعلم بالمهتدین^{۲۷}.

• و آیه أفرأیت من اتخذ إلهه هواه^{۲۹}.

الحق ... فصوص قیصری فص موسویة ص ۱۱۴۱ و ۱۱۴۲ ، مد الهمم ص ۵۸۱ و ۵۸۲

۲۵ . تحریم ۴

۲۶ . ابن عربی ، برای عایشه و حفصه (دختران ابوبکر و عمر) قوت و علم خارق العاده می سازد و تکیه گاه افسانه ای برای آن دو می باشد . و آیه فوق را دلیل تخیل باطل خود می پندارد ، می گوید : ... فقال لی : لاتعجب فو رب السماء والارض لقد ثم ما هو أعجب ؟ فقلت ما هو ؟ فقال لی : الذی ذکر الله فی حق إمرأتین من نساء رسول الله صلی الله علیه وسلم ثم تلا : و إن تظاهرا علیه فإن الله هو مولاه و جبریل و صالح المؤمنین و الملائكة بعد ذلك ظهیر . . . و لولا ما ذکر الله نفسه فی النصره ما استطاعت الملائكة و المؤمنون مقاومتها ! و علمت أنهما حصل لهما من العلم بالله و التأثير فی العالم ما أعطاهما هذه القوة ! ! و هذا من العلم الذی کهیئة المکنون ، فشکرت الله علی ما أولی ، فما أظن أن أحداً من خلق الله استند إلى ما استند هاتان المرأتان ، یقول لوط علیه السلام : لو أن لی بکم قوة أو أوی إلى رکن شدید وکان عنده الرکن الشدید و لم یکن یعرفه . . . و عرفته عائشه و حفصة !!!

فتوحات باب ۲۲ ج ۱ ص ۴۳۸

۲۷ . قصص ۵۶ .

۲۸ . ابن عربی ، معتقد است ، حضرت ابوطالب عليه السلام مشرک و بی ایمان از دنیا رفته است ، می گوید : ... كما قال فی حق أكمل الرسل و أعلم الخلق و أصدقهم فی الحال : إنک لا تهدي من أحببت و لكن الله یهدی من یشاء . و لو کان للهمة أتر و لا بد ، لم یکن أحد أكمل من رسول الله صلی الله علیه و سلم و لا أعلى و لا أقوى همة منه ، و ما أثرت فی إسلام أبی طالب عمه و فيه نزلت الآیة التي ذکرناها .

مد الهمم ، فی کلمة لوطیة ص ۳۲۵

تذکر : توضیح بیشتر درباره مطلب فوق را می توانید در مجموعه پیام دین با عنوان حضرت ابوطالب علیه السلام ج ۲ مطالعه نمایید .

۲۹ . جائیه ۲۳

۳۰ . ابن عربی معتقد است که هواپرستی ، بالاترین و برترین جلوه های خداپرستی است ! و به آیه فوق استناد می نماید ، می گوید : فإنه قضی ألاً نعبد إلا إياه فی درجات كثيرة مختلفة ، أعطت كل درجة مجلی إلهياً عبد فيها . و أعظم مجلی عبد فيه و أعلاه الهوی .

مدالهمم ص ۵۱۹

كما قال : أفرأیت من اتخذ إلهه هواه فهو أعظم معبود ، فإنه لا یعبد شیء إلا به .





۰ و آیه و قضی ربک أن لاتعبدوا إلا إياه^{۳۱}.

و آیات دیگر ...

و البته جای بسی تأسف و تأثر است که :

۰ برخی عمر عزیز خود را با تألیف کتاب در شرح مزخرفات این دو تلف کرده و ترویج

آن را عرفان می دانند^{۳۳}. زیرا مصنفات ابن عربی را در عالم مؤلفات بی نظیر دانسته و دو

کتاب فصوص و فتوحات این شخصیت منحرف را از کرامات خاص او می پندارند^{۳۴}.

۰ عده دیگر در معارف عرفانی و حقایق نفسانی جایگاه او را بعد از مقام عصمت و

امامت قرار می دهند^{۳۵}.

^{۳۱}. إسرائ ۲۳

^{۳۲}. ابن عربی معتقد است که گوساله پرستی بنی اسرائیل، عین خدا پرستی است و حضرت هارون علیه السلام را پیامبری کم جنبه

معرفی می کند، این آیه را شاهد بر سخن خود می آورد، و می گوید: و كان موسى أعلم بالأمر من هارون لأنه علم ما عبده

أصحاب العجل لعلمه بأن الله قد قضى أن لا يعبد إلا إياه و ما حکم الله بشيء إلا وقع. فكان عتب موسى أخاه هارون لما وقع الأمر

فی إنكاره و عدم إتساعه فإن العارف من يرى الحق فی كل شيء بل يراه عين كل شيء... فكان عدم قوة إرداع هارون بالفعل أن

ينفذ فی أصحاب العجل بالتسليط على العجل، كما سلط موسى عليه حكمة من الله تعالى ظاهرة في الوجود ليعبد في كل صورة وإن

ذهبت تلك الصورة بعد ذلك، فما ذهبت إلا بعد ما تلبست عند عابدها بالالوهية ولهذا ما بقي نوع من الأنواع إلّا و عبده...

ممدالهم ص ۵۱۴ و ۵۱۸

^{۳۳}. نظیر کتاب ممدالهم در شرح فصوص الحکم تألیف آقای حسن حسن زاده آملی و شرح جلال آشتیانی بر فصوص الحکم.

^{۳۴}. آقای حسن حسن زاده آملی: تاکنون نه تنها فتوحات مکیه بلکه هیچ یک از مصنفات شیخ در عالم مؤلفات مانند خود را ندیده

است، به خصوص فصوص و فتوحات را باید از کرامات خاص به او دانست ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء.

دومین یادنامه طباطبایی، عرفان و حکمت متعالیه ص ۳۹

^{۳۵}. آقای سیدعلی قاضی، دریای عرفان شرح حال سید علی قاضی طباطبایی ص ۳۲.





• و یا در بین معاریف ، بی همتا و بی نظیر معرفی می کنند^{۳۶} .

• یا می گویند : ابن عربی در فصوص مشتمل آورد و در فتوحات دامن دامن !^{۳۷}

اصلاً در اسلام هیچ کس نتوانسته است یک سطر مانند محیی الدین (ابن عربی) بیاورد !^{۳۸}

تأویل قرآن یا بهتان و افترا

میرزای قمی رحمته : . . . و به هر حال چیزی که محیی الدین از قرآن می فهمد و نسبت به خدا می دهد همه بهتان و افترا است و قرآنی که از معجزات پیغمبر آخرالزمان است و یکی از اسباب معجزه بودن ، بلاغت آن است که قوم عرب را با فصاحت و بلاغت ایشان عاجز کرد که یک سوره مثل آن نتوانستند گفت . . . تفسیراتی که محیی الدین برای آن می کند قرآن را چنان واهی و بی معنا می کند که هر ناهمی از آن نفرت می کند چه جای ارباب فهم . . .^{۳۹}

تأویل کلام خدا با عقاید باطل

علامه محقق میرزا حبیب الله هاشمی خویی رحمته : به آن چه برای تو تلاوت می شود از

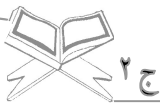
^{۳۶} . آقای جوادی آملی : محمد بن علی بن محمد بن احمد بن عبدالله بن حاتم الطایی ، معروف به محی الدین ، مکتبی به ابن عربی ، ملقب به شیخ اکبر (۵۶۰ - ۶۳۸) است . . . در بین معاریف اهل عرفان بی همتا ، و در عمودین زمان خویش (گذشته تاکنون) بی نظیر می باشد . آن چه امام رازی درباره مرحوم بوعلی گفته است : ما سبقه إلیه من قبله و لا لحقه من بعده . (کسی قبل و بعد از او به مانند او نیامده است) در خور ابن عربی است . . .

^{۳۷} . آقای محمد حسین طباطبایی مؤلف المیزان ، دومین یادنامه طباطبایی ، عرفان و حکمت متعالیه ص ۳۸ .

^{۳۸} . آقای محمد حسین طباطبایی مؤلف المیزان ، شرح مبسوط منظومه ج ۱ ص ۲۳۹ .

^{۳۹} . سه رساله در نقد عرفان ص ۱۵۸ .





قطب^{۴۰} قطب‌های صوفیه ، زندیق لعین ، ابن عربی محیی‌الدین و کلام قیصری^{۴۱} در شرح عبارات او گوش کن ...^{۴۲}

این حاصل سخن و نتیجه کلام این دو رجس^{۴۳} نجس نحس می‌باشد ... بنابراین انسان مؤمن زیرک و بینا ، بایستی بنگرد و دقت نماید که این دو چگونه باطل را به صورت حق جلوه داده‌اند و کلام خدا را با نظرهای فاسد و خیالات پست و بی‌ارزش ، بر طبق عقاید باطل خود تأویل و توجیه نموده‌اند با این که پیامبر برگزیده خدا صلی الله علیه و آله فرموده است :

مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ ، کسی که قرآن را با رأیش تفسیر نماید بایستی نشیمنگاه خویش را برای آتش آماده سازد .

و قسم به جانم ، این دو . . . ، حزب شیطان و اولیاء بت پرستان و طاغوت پرستان می‌باشند و تنها غرض این دو این است :

• تکذیب انبیاء و رسولان الهی .

^{۴۰} . قطب : سرآمد همه قلّاش‌های هر زمان را (صوفیه و پیروان عرفان اصطلاحی) قطب گویند . به عبارت دیگر قطب بالاترین اولیاء الله عصر خود می‌باشد ... قلّاش : ... اهل حال و اهل دل و لأبالی را گویند ، و کسی که قطع علائق از همه چیز کرده و دل تنها به یک چیز (که همان وحدت و توحید عرفانی است) بسته است . عارف و صوفی چه می‌گویند بخش فرهنگ مصطلحات قلّاش : کلاش ، بیکاره ، ولگرد ، مفلس ، بی‌چیز ، رند ، حيله گر . فرهنگ عمید .

^{۴۱} . داوود قیصری م ۷۵۱ هـ . ق شارح کتاب فصوص الحکم ابن عربی .

^{۴۲} . و عبارات‌های ابن عربی و قیصری را نقل می‌نمایند .

^{۴۳} . پلید .





• تکذیب بیّنات و براهینی که آنها آورده‌اند .

• منهدم نمودن اساس اسلام و ایمان .

• باطل نمودن جمیع شرایع و ادیان .

• ترویج پرستش بت‌ها .

• بالا بردن کلمة کفر و پایین آوردن کلمه رحمان ...

سوگند به خداوند کریم که اگر بدانید ، سوگندی عظیم است آنان مصداق حقیقی گفتار

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه هفتم نهج البلاغه‌اند :

منحرفان شیطان را معیار کار خود گرفتند ...^{۴۴}

و با وجود این جای تعجب و بلکه نهایت تعجب است ، خودشان بر این باورند که

موحدان و یکتاپرستان عارف و انسان‌های کامل هستند و دیگران در حجابند و خدا را

نمی‌شناسند . بلکه برخی بالاتر رفته و مدعی ولایت و قطبیت می‌شوند و برخی دیگر

طغیان نموده و برای نفوس خود مدعی الوهیت و ربوبیت شده و گمان نموده که

پروردگارشان در آنان متجلی شده و در صورت‌های نحسشان ظهور نموده است ...^{۴۵}

۴۴ . امیرالمؤمنین علی علیه السلام : منحرفان شیطان را معیار کار خود گرفتند و شیطان نیز آنان را دام خود قرار داد و در دل‌های

آنان تخم گذارد و جوجه‌های خود را در دامانشان پرورش داد ، با چشم‌های آنان می‌نگریست و با زبان‌های آنان سخن می‌گفت پس

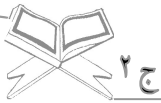
با یاری آنها بر مرکب گمراهی سوار شد و کردارهای زشت را در نظرشان زیبا جلوه داد همانند رفتار کسی که نشان می‌دهد در

حکومت شیطان شریک است و با زبان شیطان سخن باطل می‌گوید .

۴۵ . فاستمع لما یتلی علیک من کلام قطب اقطابهم الزندیق اللعین ابن العربی محیی الدین فی الفصوص و من کلام القیصری فی شرحه

... هذا محصل کلام هذین الرجسین النجسین النحسین ، و کم لهما فی الکتاب المذكور من هذا النمط و الاسلوب ... فلینظر





آیات مربوط به حضرت نوح علیہ السلام

﴿ مِمَّا خَطِيئَتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا ۚ﴾^{۴۶}

انحراف ابن عربی در این آیات

❖ ابن عربی: مِمَّا خَطِيئَتِهِمْ فَهِيَ الَّتِي خَطَّتْ بِهِمْ فَغَرِقُوا فِي بَحَارِ الْعِلْمِ بِاللَّهِ وَهُوَ الْحَيْرَةُ ، فَأَدْخَلُوا نَارًا فِي عَيْنِ الْمَاءِ . . . فلم يجدوا من دون الله أنصاراً فكان الله عين أنصارهم

المؤمن الكبس البصير الى انهما كيف موها الباطل بصورة الحق واولا كلام الله بأرائهم الفاسدة و احلامهم الكاسدة على طبق عقائدهم الباطلة و قد قال النبي المختار صلى الله عليه و آله : من فسّر القرآن برأيه فليتبوأ مقعده من النار و لعمري انهما و من حذا حذوهما حزب الشيطان و اولياء عبدة الطاغوت و الاوثان ، و لم يكن غرضهما الا تكذيب الانبياء و الرسل و ما جاؤوا به من البيّنات و البرهان و هدم اساس الاسلام و الايمان ، و إبطال جميع الشرايع و الاديان ، و ترويج عبادة الاصنام و جعل كلمة الكفر العليا و خفض كلمة الرحمن و أقسم بالله الكريم و انه لقسم لو تعلمون عظيم انهم المصدق الحقيقي لقول امير المؤمنين عليه السلام فى المختار السابع : اتخذوا الشيطان لامركم ملاكاً واتخذهم له اشراكاً فباض و فرخ فى صدورهم و دبّ و درج فى حجورهم ، فنظر بأعينهم و نطق بألسنتهم فركب بهم الزلل و زين لهم الخطل فعل من شرّكه الشيطان فى سلطانه و نطق بالباطل على لسانه . . . و مع ذلك فالعجب كلّ العجب انهم يزعمون انهم الموحدون العارفون المكملون و ان غيرهم لمحجوبون و بالحق جاهلون بل يترقى بعضهم و يدعى الولاية و القطبية و يطغى آخرون فيدعون لانفسهم الالهية و الربوبية و يزعمون ان ربهم تجلّى فيهم و ظهر فى صورهم المنحوسة . . .

منهاج البراعة ج ۱۳ تنبيه على مذهب الصوفيه المقام الثالث فى ابطال القول بالحلول والاتحاد بالادلة النقلية ص ۱۷۲ تا ۱۷۷ .

^{۴۶} . نوح ۲۵ تا ۲۷ : سرانجام همگی به خاطر خطاها و گناهانشان غرق شدند و در آتش وارد شدند و جز خدا یاورانی برای خود نیافتند تا در برابر خشم و غضب او از آنان دفاع نماید . نوح علیه السلام گفت : پروردگارا روى زمین احدی از کافران را زنده مگذار . زیرا اگر آنان را واگذارى ، بندگان را گمراه مى کنند ، و جز نسلى فاجر و کافر به وجود نمى آورند .





فهلکوا فيه إلى الأبد . . . لاتذر علی الارض . . . من الکافرين . . . دیاراً . . . إنک إن تذرهم أى تدعهم و تتركهم یضلّوا عبادک أى یحیروهم فیخرجوهم من العبودیة إلى ما فیهم من أسرار الربوبیة . . .^{۴۷}

ترجمه: مما خطیئاتهم یعنی گام‌هایی که آن‌ها را سوق داد پس در دریای علم به خدا که حیرت است غرق نمود^{۴۸}. پس داخل در آتشی شدند که در ذات آب بود. به غیر خدا یآوری نیافتند پس خداوند خود یاور آنان بود، در نتیجه در خداوند تا ابد هلاک شدند. بر روی زمین از کافرین احدی را باقی نگذار . . . البته اگر تو آنان را باقی گذاری یعنی واگذار نمایی و آنان را ترک کنی، بندگان تو را گمراه می‌نمایند یعنی آنان را در حیرت داخل نموده در نتیجه آنان را از عبودیت و بندگی به سوی آنچه که در خودشان از اسرار ربوبیت و پروردگاری است خارج می‌نمایند!

عبارت قیصری در شرح کلام ابن عربی^{۴۹}.

^{۴۷} . فصوص با شرح جامی فص نوحی ص ۱۳۶ تا ۱۴۰ .

^{۴۸} . ابن عربی خطیئات را در اینجا به معنای گام‌های سوق دهنده معنا نموده است نه گناهان که مرتکب شده‌اند .

^{۴۹} . والتأویل الاول لاینافی ظاهر المفهوم منها لانه بالنسبة الی الکمل من أمته و مایفهم منه ظاهراً إنما هو بالنسبة الی الکافرين به و

المحجوبین عن دینه . . . ای فادخلوا فی نار المحبة و الشوق حال کونهم فی عین الماء او ناراً کائنة فی عین الماء لیفنیهم عن

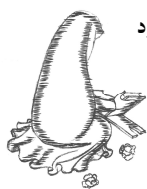
انفسهم ویبقیهم بالحق . . . شرح فصوص الحکم قیصری، فص نوحی ص ۵۲۹ و ۵۳۰

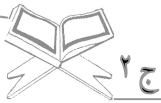
ترجمه: تأویل اول (که ابن عربی نمود) منافات با مفهوم و معنای ظاهری آیه ندارد زیرا تأویل ویژه افراد کامل شده از امت

پیامبر است، و آنچه از ظاهر آیه فهمیده می‌شود مربوط به کافرین به پیامبر و آنان که از دین پیامبر در حجاب قرار گرفته‌اند

می‌باشد . . . یعنی در آتش محبت و شوق داخل شدند در حالی که قوم نوح در آب بودند، یا داخل در آتشی که در خود آب بود

شده به خاطر این که آنان را از خودشان فانی نموده و به حق باقی شوند . . .





میرزای قمی رحمته

... ما را شکی نیست در این که حضرت نوح علیه السلام که مثلاً نهصد و پنجاه سال دعوت کرد قوم خود را به ایمان ، و ایمان نیاوردند به او إلّا قلیل و در آخر ، نفرین کرد و حق تعالی مؤمنان را نجات داد و مخالفان را غرق هلاکت کرد . دیگر گنجایش ندارد که بگوییم که : آن‌ها که غرق شدند خوب بودند ... پس کسی که چنین گوید یا دیوانه است یا کافر است ^{۵۰} .

استفتاء

س : آیه **مَمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا وَأَدْخَلُوا نَاراً ...** را برخی این گونه تأویل نموده‌اند :
مما خطيئاتهم فهي التي خطت بهم ف : ادخلوا في بحار العلم بالله و هي الحيرة . فادخلوا ناراً في عين الماء أو ناراً كائنة في عين الماء ليفنيهم عن أنفسهم و يبقوهم بالحق فلم يجدوا من دون الله انصاراً فكان الله عين انصارهم فهلكوا فيه الى الابد . و لاتذر على الارض ... من الكافرين ... دياراً ... إنك إن تذرهم أي تدعهم و تتركهم يضلوا عبادك أي يحيرهم فيخرجوهم من العبودية الى ما فيهم من أسرار الربوبية ^{۵۱} .

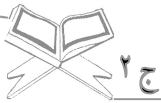
آیا این گونه تأویلات صحیح است ؟

آیت الله سید محمد شاهرودی : این تأویلات و تفسیرات ، مصداق واضح تفسیر قرآن

^{۵۰} . سه رساله در نقد عرفان ص ۱۲۸ چاپ اول ۱۳۸۸ چاپ زیبانگار بنیاد پژوهش‌های اسلامی .

^{۵۱} . فصوص الحکم با شرح جامی فص نوحی ص ۱۳۶ تا ۱۴۰ . و با شرح قیصری فص نوحی ص ۵۹۹ تا ۵۳۵ .





کریم به رأی است ، که در احادیث متواتر وارد شده (من فسّر القرآن برأيه فليتبوأ مقعده من النار^{۵۲}) أعاذنا الله و إياكم منها .

آیت الله صافی گلپایگانی : تأویلات مذکور اساس ندارند و تفسیر قرآن و تأویلش به این نحو تأویلات جایز نیست زیرا تفسیر به رأی شمرده می شود و این امور از ذوق کسانی است که خود را از عرفا می شمارند و اشکالات زیاد بر تفسیر و تأویل آنها وجود دارد ، تمامشان باطل است و از باطن آن بویی نبرده اند .

آیت الله مکارم شیرازی : این تأویلات کاملاً نادرست و از افکار بعضی از صوفیان است .
آیت الله نوری همدانی : این گونه تفسیرها صحیح نیست و تفسیر به رأی است که باید از آن پرهیز نمود .

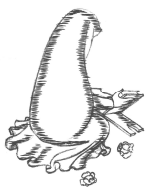
آیت الله بهجت : وظیفه ، مشی بر طریقه متعارف شیعه که پیروی از مراجع عظام است و از تأویلات آیات به افکاری که از معصوم علیه السلام نرسیده ، اجتناب لازم است^{۵۳} .

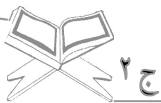
داستان حضرت نوح علیه السلام در قرآن

البتة نوح را به سوی قومش فرستادیم پس به آنان گفت : الله را پرستید ، که جز او خدایی شما را نیست ، من بر شما از عذاب روز قیامت می ترسم . اشراف قومش گفتند ما تو را در گمراهی آشکار می بینیم ، نوح گفت : ای قوم من ، من گمراه نیستم و لکن من

^{۵۲} . کسی که قرآن را به رأی خود تفسیر کند ، خداوند جایگاه او را در جهنم قرار دهد .

^{۵۳} . استفتاء خصوصی کتبی از مراجع عظام تقلید .





فرستاده از طرف پروردگار دو عالم ، پیام و گفتار پروردگار را به شما می‌رسانم ، و شما را نصیحت می‌نمایم ، و از طرف خدا آگاهم به آنچه که شما به آن آگاهی ندارید . آیا تعجب کرده و در نظر شما شگفت انگیز است ، که مردی از جانب خدا به یادآوری شما فرستاده شده ، تا این که شما را بترساند و تا پرهیزگار شوید ، شاید مورد لطف خدا قرار گیرید . پس او را تکذیب نموده در نتیجه او و کسانی که همراه او در کشتی بودند را نجات داده و آنان که آیات ما را تکذیب کردند را غرق نمودیم ، آنان مردمی کوردل بودند^{۵۴} .

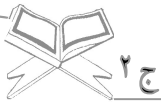
و البته نوح را به سوی قومش فرستادیم گفت : همانا من شما را با بیان روشن نصیحت می‌نمایم که غیر الله را نپرستید ، البته من از عذاب دردناک روز قیامت بر شما می‌ترسم ، اشراف قومش که کافر شدند گفتند : ما تو را مانند خود بشری بیشتر نمی‌بینیم ، و پیروان تو را فقط فقرای بی‌ارزش و کوتاه فکرمان ، می‌بینیم و برای شما نسبت به خودمان برتری مشاهده نکرده ، بلکه شما را دروغگو می‌دانیم . . . (تا این که گفتند) : ای نوح با ما جدل و گفتگو بسیار کردی پس اگر راستگویی عذابی را که می‌گویی بیاور . نوح گفت : اگر خدا بخواهد بر شما فرستاد . و هیچ مفری از آن ندارید^{۵۵} .

اشراف قومش که کافر شدند گفتند : این فقط بشری است مثل شما قصد دارد خود را

^{۵۴} . اعراف ۵۹ تا ۶۴ : لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَنْقُومِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنِّي غَيْرُهُ . . .

^{۵۵} . هود ۲۵ تا ۳۳ : وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿۱۰۱﴾ أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ . . .





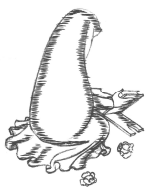
بر شما برتری دهد . . . او فقط مردی است که دارای دیوانگی و جنون است . پس تا مدتی باید منتظر بمانید (که یا خوب شود و یا بمیرد تا از دست او راحت شوید)^{۵۶}.

که ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که قومت را بترسان پیش از آن که بر آنان عذاب دردناک فرا رسد . . . نوح گفت : بارالها من قومم را شب و روز دعوت کردم ، این دعوت جز بر فرار آنها نیفزود و هرچه آنان را به آمرزش تو خواندم ، انگشت بر گوش نهادند و صورت خود را با لباسشان پنهان کرده و بر کفر خود اصرار نمودند و به شدت راه تکبر پیمودند . باز هم آنها را با صدای بلند دعوت کردم و آنگاه آنها را آشکارا و پنهانی خواندم ، باز گفتم ای مردم از خداوند آمرزش بخواهید ، که او آمرزنده است . . . چرا خدای را به عظمت یاد نمی کنید . . . خدایا این قوم با من مخالفت نمودند و پیرو کسی شدند که مال و فرزندش ، جز بر زیانش نیفزود ، بزرگترین مکر را بکار بردند و گفتند هرگز خدایان خود را رها نکنید و دست از پرستش و ذّ و سواع و و یغوث و یعوق و نسر^{۵۷} برندارید و آنها بسیاری را گمراه کردند ، . . . قوم نوح به خاطر خطاهایشان غرق شده و به آتش داخل شدند و جز خدا برای خود هیچ یآوری نیافتند و نوح گفت : پروردگارا ، بر روی زمین از کافرین احدی را باقی مگذار اگر آنها را رها کنی بندگان را گمراه نموده و فقط انسانهای فاجر و بدکار و کافر از آنان متولد می شود^{۵۸}.

^{۵۶} . مومنون ۲۴ : فَقَالَ الْمَلَأُوا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ . . .

^{۵۷} . نام های بت های قوم نوح .

^{۵۸} . نوح ۱ تا ۲۸ : إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ . . .





که به نوح وحی شد که جز همین عده که ایمان آورده‌اند دیگر ابداً هیچ کس از قومت ایمان نخواهد آورد و تو از آن چه انجام می‌دهند محزون مباش . درباره ستمکاران که البته باید غرق شوند سخن مگوی . نوح به ساختن کشتی پرداخت و هر کس از اشراف قومش بر او می‌گذشت وی را مسخره و استهزاء می‌کرد و نوح در جواب می‌گفت : امروز شما ما را مسخره می‌کنید ما هم شما را مسخره خواهیم نمود چنان که ما را مسخره می‌نمایید . و بزودی خواهید فهمید که عذاب خوار کننده بر که نازل شده و عذاب دایم بر چه کسی وارد خواهد شد . پسر نوح خود را از نوح دور نگه می‌داشت نوح فرزندش را صدا نمود پسرم با ما به کشتی سوار شو . و همدیف کافران مباش ^{۵۹} .

که و نوح را بر قوم خود ، که آیات ما را تکذیب نمودند یاری نمودیم . البته آنان بد قومی بودند و در نتیجه همه آنها را غرق کردیم ^{۶۰} .

که نوح نهصد و پنجاه سال با قوم خود بود ، که طوفان آنان را ، در حالی که ظالم بودند در بر گرفت ^{۶۱} .

که همانا قوم نوح مردمی فاسق بودند ^{۶۲} .

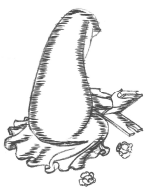
که بنده ما را تکذیب کرده و گفتند دیوانه شده و او را اذیت می‌نمودند ، پروردگارش را

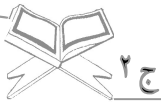
^{۵۹} . هود ۳۵ تا ۴۸ : وَأَوْحِيَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِرَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدَّ ءَامَنَ فَلَا تَتَّبِعِنَّ... .

^{۶۰} . انبیاء ۷۷ : وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ .

^{۶۱} . عنكبوت ۱۴ : وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ .

^{۶۲} . ذاریات ۴۶ : وَقَوْمِ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ .





خواند ، که من مغلوب شدم مرا یاری نما ، ما هم درهای آسمان را با سیلاب گشودیم و زمین را با چشمه‌ها باز کرده ، آب زمین و آسمان ، به خاطر مسئله‌ای که مقدر شده بود مخلوط شد . . . تا برای کافران مجازاتی باشد . . . ۶۳ .

یک روایت

امام باقر و امام صادق علیهما السلام : نوح نهد و پنجاه سال از عمر خود را با قوم خود سپری نمود و او نجار بود آشکارا و پنهان قوم خود را به طرف هدایت دعوت نمود پس هنگامی که ابا نموده و با تکبر سرپیچی کردند و او را به استهزاء و مسخره گرفتند ، آنان را نفرین نمود ، گفت پروردگارا من مغلوب شدم مرا یاری نما . پروردگارا ، از کافرین احدی را روی زمین باقی مگذار ، خداوند وحی نمود کشتی بساز و به او دستور داد که دانه بکارد ، قوم نوح از کنار او گذشته و به او خندیده و او را مسخره می نمودند ۶۴ . ۶۵ .

نتیجه مطالب

درباره تاریخ زندگانی حضرت نوح علیه السلام به همین مقدار اکتفا نموده و تحقیق بیشتر را به

۶۳ . قمر ۹ تا ۱۷ : كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدَجَرَ فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانتَصِرْ . . .

۶۴ . عن ابی جعفر علیه السلام قال : مکث نوح علیه السلام فی قومه یدعوهم سرّاً و علانیه فلما عتوا و أبوا قال ربّ انی مغلوب فانتصر فأوحی الله تعالی الیه : ان اصنع الفلک و امره بغرض النوی فمر علیه قومه فجعلوا یضحکون و یسخرون . . .

بحارالانوار ج ۱۱ ص ۳۲۳

۶۵ . عن ابی عبدالله علیه السلام : و کان نوح رجلاً نجاراً . . . و ان نوحاً لبث فی قومه الف سنة الا خمسين عاماً یدعوهم الی الهدی فیهزؤون به و یسخرون منه فلما رأى ذلک منهم دعا علیهم فقال رب لاتذر علی الارض من الکافرین دیاراً .

بحارالانوار ج ۱۱ ص ۳۳۲





شما مخاطب محترم و اگذار می‌نماییم . از بیان مطالب بالا این نتایج حاصل می‌شود :

- ♦ دعوت نوح به یکتا پرستی .
- ♦ این ابلاغ و دعوت به دستور خداوند بود .
- ♦ قوم نوح بت پرست بودند .
- ♦ قوم نوح به نص آیات قرآن ظالم ، فاسق و کافر بودند .
- ♦ قوم نوح آیات خدا را تکذیب می‌نمودند .
- ♦ خداوند حضرت نوح را یاری نمود .
- ♦ طوفان و آتش مجازاتی برای کافران .
- ♦ ابن عربی آیات قرآن را درباره حضرت نوح علیه السلام به مسخره گرفته است .

ابن عربی و ایمان فرعون !

ابن عربی آیات وارده درباره فرعون را نیز به دلخواه خود تفسیر می‌نماید .

❖ معتقد است فرعون ، مؤمن و طاهر جان داده ^{۶۶} .

❖ و خداوند ، ایمان او را پذیرفته ^{۶۷} .

❖ و فرعون در بهترین حالات مرده ^{۶۸} .

^{۶۶} . ابن عربی : قبضه طاهراً مطهراً لیس فیہ شیء من الخبث لآئنه قبضه عند ایمانه قبل أن یکتسب شیئاً من الآثام . والاسلام یجب ما قبله و جعله آیه علی عنایتہ سبحانه بمن شاء حتی لایبأس أحد من رحمة الله فإنه لایبأس من رحمة الله إلا القوم الکافرون ، فلو کان فرعون ممن آیس ما بادر إلى الإیمان .

فصوص با شرح جامی فص موسوی ص ۴۷۹

^{۶۷} . ابن عربی : قال لموسی و هارون : قولاً له قولاً لیتنا لعلہ یتذکر أو یخشی ، و الترجی من الله واقع كما قالوا فی عسی فإنهما کلمتا ترج و لم یقل لهما لعلہ یتذکر أو یخشی فی ذلک المجلس . . . فالذی ترجی من فرعون وقع لأن ترجیه تعالی واقع ، فآمن فرعون و تذکر و خشی كما أخبر الله و أثر فیہ لین قول موسی و هارون و وقع الترجی الالهی كما أخبر ، فهذا یدلک علی قبول ایمانه . . .

فتوحات باب ۱۹۸ ج ۴ توحید ۱۴ ص ۷۳

^{۶۸} . و لعل و عسی من الله واجبتان . . . فقال : آمنت بالذی آمنت به بنوإسرائیل و أنا من المسلمین فأظهر حالة باطنه و ما کان فی قلبه .





و غرق شدنش غسل توبه اوست^{٦٩}.

✓ همچنين اين شخص منحرف آيات مربوط به حضرت موسى ﷺ و ماجرای فرعون را وارونه جلوه می دهد و افکار پست خود را به اسم تأویل قرآن عرضه می نماید^{٧٠}.

من العلم الصحيح بالله . . . و قوله : و أنا من المسلمين خطاب منه للحق لعلمه أنه تعالى يسمعه و يراه ، فخاطبه الحق بلسان العتب و أسمعته الآن أظهرت ما قد كنت تعلمه و قد عصيت قبل و كنت من المفسدين في أتباعك و ما قال له : و أنت من المفسدين ، فهي كلمة بشرى له عرفنا بها لنرجوا رحمته مع إسرافنا و إجرامنا ثم قال : فاليوم ننجيك ، فبشره قبل قبض روحه ، بيدنك لتكون من خلفك آية يعني لتكون النجاة لمن يأتي بعدك آية علامة ، إذا قال ما قالته تكون له النجاة لمن يأتي بعدك آية علامة ، إذ قال ما قالته تكون له النجاة مثل ما كانت لك ، و ما في الآية أن بأس الآخرة لا يرتفع و لا أن إيمانه لم يقبل ، و إنما في الآية أن بأس الدنيا لا يرتفع عمّن نزل به إذا أمن في حال رؤيته إلا قوم يونس ، فقوله : فاليوم ننجيك بيدنك إذ العذاب لا يتعلق إلا بظاهره ، و قد أريت الخلق نجاته من العذاب ، فكان ابتداء الغرق عذاباً فصار الموت فيه شهادة خالصة بريئة لم تتخلها معصية ، فقبضت على أفضل عمل و هو التلطف بالإيمان ، كل ذلك حتى لا يقنط أحد من رحمة الله و الأعمال بالخواتم ، فلم يزل الإيمان بالله يجول في باطنه . . . فقبض فرعون و لم يؤخر في أجله في حال إيمانه لئلا يرجع إلى ما كان عليه من العوى . . . و أما قوله : فأوردتهم النار ، فما فيه نص أنه يدخلها معهم بل قال الله : ادخلوا آل فرعون ، و لم يقل ادخلوا فرعون و آله . فتوحات باب ١٦٧ ج ٣ ص ٤٩٩ و ٥٠٠ .^{٦٩} حتى إذا أدركه الغرق قال : آمنت أنه لا إله إلا الذي آمنت به بنو إسرائيل . . . فأعلم بذلك فرعون ليعلم قومه برجوعه عما كان ادعاه فيهم من أنه ربهم الأعلى فأمره إلى الله فإنه آمن عند رؤية البأس و ما نفع مثل ذلك الإيمان فرجع عنه عذاب الدنيا إلا قوم يونس و لم يتعرض للآخرة . ثم إن الله صدقه في إيمانه بقوله : ألان و قد عصيت قبل ، فدل على إخلاصه في إيمانه ، و لو لم يكن مخلصاً لقال فيه تعالى كما قال في الأعراب الذين قالوا آمناً قل لم تؤمنوا و لكن قولوا أسلمنا و لمّا يدخل الإيمان في قلوبكم ، فقد شهد الله لفرعون بالآيمان و ما كان الله ليشهد لأحد بالصدق في توحيد إله إلا و يجازيه به و بعد إيمانه ، فما عصى فقبله الله إن كان قبله طاهراً ، والكافر إذا أسلم و جب عليه أن يغتسل فكان غرقه غسلأ له و تطهيراً حيث أخذه الله .

فتوحات باب ١٩٨ ج ٤ توحيد ١٢ ص ٧٠

٧٠ . ابن عربى : فكان موسى ع كما قالت امرأة فرعون فيه قرّة عين لى و لك لا تقتلوه عسى أن ينفعنا و كذلك وقع فإن الله نفعهما

به ع . فصوص با شزح جامى فص موسى ص ٤٨٠

ابن عربى : و أما قوله فلم يك ينفعهم إيمانهم لمّا رأوا بأسنا سنّة الله التي قد خلت في عباده إلا قوم يونس . فلم يدل ذلك على أنه لا ينفعهم في الآخرة بقوله في الإستثناء إلا قوم يونس فأراد أن ذلك لا يدفع عنهم الأخذ في الدنيا ، فلذلك أخذ فرعون مع





و با کمال تأسف ملاصدرا نیز در این مسأله اسیر افکار ابن عربی شده و اراجیف ابن عربی را درباره فرعون سخنی از روی تحقیق می‌پندارد.^{۷۱}

جواب میرزای قمی رحمته

فصل اول در بیان حال کسی است که گوید: فرعون ناجی است چون توبه کرده است. این سخن از محیی‌الدین شقی ضالّ مُضَلّ است که سزاوار است که ملقّب شود به ممیت

وجود الإیمان منه . فصوص الحکم قیصری فص موسویة ص ۱۱۴۳ و ۱۱۴۴ ، ممد الهمم ، کلمة موسویة ص ۵۸۴

ابن عربی: فآمن بالذی آمنت به بنو إسرائيل علی التیقن بالنجاة ، فکان كما تیقن ، لکن علی غیر صورة التی أراد فنجاه الله من عذاب الآخرة فی نفسه ، و نجّی بدنه كما قال تعالی فالیوم ننجیک ببدنک لتکون من خلفک آية ، لآته لو غاب بصورته ربّما قال قومه احتجب ، فظهر بالصورة المعهودة میتاً لیعلم أنه هو ، فقد عمّته النجاة حساً و معنی .

شرح فصوص الحکم قیصری فص موسویة ص ۱۱۴۴ ، ممد الهمم در شرح فصوص الحکم کلمة موسویة ص ۵۸۵

ابن عربی: و من حقّت علیه کلمة العذاب الاخرای لا یؤمن و لو جاءته کلّ آية حتی یروا العذاب الالیم أى یدوقوا العذاب الاخری . فخرج فرعون من هذا الصنف . هذا هو الظاهر الذی ورد به القرآن ثم إن نقول بعد ذلك : والأمر فیهِ إلى الله ، لَمّا استقرّ فی نفوس عامّة الخلق من شقائه ، و ما لهم نصف ی ذلك یستندون الیه .

شرح فصوص الحکم قیصری فص موسویة ص ۱۱۴۴ و ۱۱۴۵ ، ممد الهمم در شرح فصوص الحکم کلمة موسویة ص ۵۸۶

۷۱ . ملا صدرا در تفسیر و غیر آن از تألیفات خود گفته که محیی‌الدین اعرابی گفت که فرعون مات مؤمناً موحداً از آن پس

ملاصدرا گفته که و هذا کلام یشمّ منه رائحة التحقیق . قصص العلماء اعتقادات شیخ احمد احسائی ص ۵۳

در تفسیرش می‌گوید که قال محیی‌الدین العربی فرعون مات مؤمناً موحداً ، بعد از نقل این کلام گفته: هذا کلام یشمّ منه رائحة

التحقیق . قصص العلماء ، ص ۳۳۱ و ۵۳

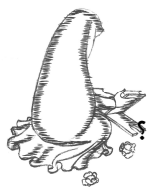
میرزای قمی رضوان الله تعالی علیه: هر چند سخن ملاصدرا را ندیده‌ام و لکن از جمعی از ثقات شنیده‌ام که او هم سخن

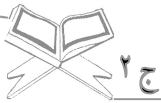
محیی‌الدین را در این باب پسندیده است بلی هرگاه ملاصدرا دانست که خیر خدا و پیغمبر در ماده فرعون عدم قبول توبه است و

انکار این معنی کرد ، او هم کافر است . سه رساله در نقد عرفان ایمان فرعون فصل سوم ص ۱۸۶

۷۲ . ملاصدرا: . . . و یفوح من هذا الکلام رائحة الصدق ، و قد صدر من مشکوة التحقیق و موضع القرب و الولاية .

تفسیر القرآن الکریم ج ۳ ص ۳۶۲ تا ۳۶۴ ، ایمان فرعون مقبول ، أم لا ؟





الدین و ماحی الدین و طامات و هرزه‌ها و گزافات و دعوای باطل او فوق آن است که در دفاتر ثبت شود و همان قدر در حمق و سفاهت و بی‌شرمی او کافی است که خود را خاتم الاولیاء نامیده و خود را از چندین وجه ترجیح داده بر خاتم الانبیاء...^{۷۳}

☞ آیات قرآنی و احادیث اهل بیت عصمت و طهارت فوق حدّ تواتر است در افاده این‌که [فرعون] به کفر مُرد و معذب است در جهنّم^{۷۴}.

آیت الله عزالدین زنجانی

☞ هر چند فرعون هنگام غرق شدن ایمان آورد و گفت : آمنت . . . ولی با این جواب که الآن و قد عصیت قبل و کنت من المفسدین ، سودمند نبودن ایمانش را گوشزد فرمود . . . قرآن ضمن بیان علم و معرفت فرعون به خداوند ، ایمان او را تا دم مرگ ، نفی می‌کند^{۷۵}.

بدترین حالات در جهنم

بلکه بنا به برخی روایات ، فرعون بدترین حالات را در دوزخ دارا می‌باشد ، مانند روایتی که فرعون را جزو افراد تابوت در پست‌ترین نقطه جهنم می‌شمرد .

☞ رسول خدا ﷺ : البته تابوتی در بسته از آتش است که در چاه عمیقی در قعر جهنم

^{۷۳} . سه رساله در نقد عرفان ص ۱۴۰ و ۱۴۱

ضال مضل : گمراه و گمراه کننده . ممیت الدین و ماحی الدین : از بین برنده و محو کننده دین . طامات : سخنان بی‌اصل و پریشان و لاف و گزاف برخی از صوفیان و درویشان . فرهنگ عمید

^{۷۴} . سه رساله در نقد عرفان ص ۱۴۴ و ۱۴۵ .

^{۷۵} . راه رستگاری ص ۱۸ تا ۲۰ .





می باشد ، شش نفر از اولین و شش نفر از آخرین در آن هستند ، بر در آن چاه عمیق صخره ای است ، هنگامی که خداوند می خواهد جهنم را شعله ور نماید آن صخره را از روی چاه کنار زده در نتیجه جهنم از شدت حرارت آن چاه عمیق پناه می برد . . .

اما شش نفر اولین :

• پسر آدم که برادرش را کشت (قابیل)

• و فرعون فراعنه

• و نمرود که با ابراهیم علیه السلام درباره پروردگارش مخاصمه نمود

•• و دو مرد بنی اسرائیلی که کتابشان را تبدیل نموده و سنتشان را تغییر دادند

• و ابلیس که ششمین آنان است .

و دجال و این پنج نفر اصحاب صحیفه^{۷۶} از آخرین می باشند پنج نفری که بر دشمنی تو ای برادرم (علی) هم قسم و هم پیمان شده و بعد از من به تو پشت نموده و از تو دوری جستند این و این و این تا اینکه همه را شمرده و نام بردند^{۷۷} .

^{۷۶} . اولی ، دومی ، معاذ بن جبل ، أبو عبیده بن الجراح و سالم مولی ابي حذیفة

^{۷۷} . النبوی صلی الله علیه و آله : إن تابوتاً من نار فيه إنا عشر رجلاً ، ستة من الأولين و ستة من الآخريين في جبّ في قعر جهنم في تابوت مقفل ، على ذلك الجبّ صخرة ، إذا أراد الله أن يسعّر جهنم ، كشف تلك الصخرة عن ذلك الجبّ فاستعادت جهنم من وهج ذلك الجبّ . . . أمّا الإولون فإن آدم الذي قتل أخاه ، و فرعون الفراعنة و [نمرود] الذي حاج إبراهيم في ربّه و رجلا من بني إسرائيل . . . و إبليس سادسهم و الدجال [اسمه] في الآخريين و هؤلاء الخمسة أصحاب الصحيفة الذين تعاهدوا و تعاقدوا على عداوتك يا أخی و تظاهروا عليك بعدى هذا و هذا و هذا حتى عدهم و سماهم .





توبه کسی که موجب انحراف دیگران است

فرعون انسان‌های بسیاری را گمراه کرده و توبه چنین شخصی قبول نمی‌شود .

که امام صادق (ع) : در زمان‌های گذشته شخصی برای بدست آوردن دنیا از راه حلال تلاش نمود نتیجه نگرفت ، از راه حرام سعی کرد موفق نشد . شیطان نزد او آمد و به او گفت : برای بدست آوردن دنیا از راه حلال و حرام تلاش کردی و به نتیجه نرسیدی ، آیا می‌خواهی به تو چیزی بیاموزم که سبب افزایش دنیای تو و موجب زیاد شدن مُریدانت شود ؟ آن شخص گفت بله .

شیطان به او گفت : دینی بساز و مردم را به سوی دین ساختگی خود دعوت نما . آن شخص این کار را انجام داده و مردم نیز او را اجابت نموده و از او اطاعت کردند ، دنیایش آباد شد .

روزی پس از تفکر به خود گفت : چه کردی ، دین ساختی و مردم را به آن دعوت کردی فقط در صورتی توبه‌ات پذیرفته می‌شود که اعلام نمایی تا کسانی که ادعای تو را پذیرفته‌اند از پیروی تو باز گردند (و آنان را نسبت به دین دروغین متنبّه نمایی) . او نزد پیروان خود رفته و مرتب به آنان می‌گفت : آنچه من شما را به سوی آن خواندم باطل بوده و البته ساخته من بود .

یاران و اصحاب او به او می‌گفتند : دروغ می‌گویی آن دین (که تو آوردی) حق

است . ولی تو در دین خود دچار شک شده و برگشته‌ای !!!





وقتی این چنین دید ، زنجیری آورده و آن را با میخ به جایی محکم نمود و (سر دیگر) آن را در گردن خود قرار داد و گفت آن را باز نمی‌کنم تا خداوند توبه مرا بپذیرد . خدای (متعال) به یکی از پیامبران خود وحی نمود ، به فلانی بگو :

قسم به عزت و جلالم اگر به اندازه‌ای مرا بخوانی که مفاصلت از یگدیگر جدا شود تو را نمی‌پذیرم ، مگر افرادی که بر دین تو مرده‌اند را ، از (راهی که رفته‌اند) برگردانی ^{۷۸}.

یک آیه

كَلَّا يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ ^{۷۹}.

از جمله فاوردهم النار استفاده می‌شود که فرعون پیروان خود را گمراه کرده و باعث جهنمی شدن آنان گردیده است و آنان را در آتش جهنم داخل می‌کند ، در حالی که خود سردمدار و پیشاپیش آنان می‌باشد که کلمه یَقْدُمُ ، نشانگر این موضوع می‌باشد .

^{۷۸} . ما رواه الصدوق فی الفقیه باسانیده الصحیح عن ابی عبدالله علیه السلام قال کان فی الزمان الاول رجل طلب الدنیا من حلال فلم یقدر علیها و طلبها من حرام فلم یقدر علیها فاتاه الشیطان فقال له یا هذا انک قد طلبت الدنیا من حلال فلم تقدر علیها فطلبتها من حرام فلم تقدر علیها افلا ادلک علی شیء تکثر به دنیاک و یكثر به تبعک ؟ قال : بلی ، تبندع دیناً و تدعو الناس علیه ففعل فاستجاب له الناس فاتاه و اصاب من دنیا ثم انه فکر فقال ما صنعت ابتدعت دیناً و دعوت الناس علیه و ما اری لی من توبه الا ان اتی من دعوته فارده عنه فجعل یاتی اصحابه الذین اجابوه فیقول ان الذی دعوتکم الیه باطل و انما ابتدعت فجعلوا یقولون : کذبت هو الحق و لکنک شککت فی دینک فرجعت عنه فلما رای ذلک عمد الی سلسله فوتد لها و تدأ ثم جعلها فی عنقه و قال لا احلها حتی یتوب الله علی قال فاحی الله الی نبی من الانبیاء قل لفلان و عزتی و جلالی لو دعوتنی حتی تنقطع اوصالک ما استجبت لک حتی ترد من مات علی ما دعوت علیه فیرجع عنه .

اثنی عشریه باب ثانی عشر الفصل الثانی ص ۱۶۰ ، بحار الانوار ج ۷۲ ص ۲۱۹ ح ۲ ، جلوه حق ۱۷۲

^{۷۹} . هود ۹۸ : روز قیامت ، او در پیشاپیش قومش خواهد بود ، و (به جای چشمه های زلال بهشت) آن ها را وارد آتش می‌کند ، و

چه بد آبشخوری است (آتش) ، که بر آن وارد می‌شوند !





مشاهده عذاب و داستان مرد مسیحی

همچنین از دلایل باطل بودن ایمان فرعون این است که او هنگام مشاهده عذاب توبه نموده و توبه در این زمان مردود است .

کج مردی نصرانی که با زنی مسلمان زنا کرده بود را نزد متوکل آوردند . متوکل خواست که بر او حد جاری کند ، آن نصرانی اسلام آورد .

یحیی بن اکثم گفت : ایمان او شرک او را خراب کرد و حکم گناه او را برداشت .

و بعضی دیگر گفتند : باید سه حد بر او جاری کرد و بعضی چیز دیگر گفتند .

متوکل دستور داد تا نامه‌ای به امام علیؑ نوشتند و درباره این مسأله سؤال کرد ، آن حضرت در جواب نوشتند : باید او را زد تا بمیرد .

یحیی بن اکثم و علمای لشکر حکم حضرت را انکار کردند و گفتند :

از او بپرس ، این چیزی است که نه کتابی به آن ناطق شده و نه سنت پیغمبر ﷺ به این نحو وارد شده !

دوباره از آن حضرت سؤال کردند که به چه دلیل باید بزنند تا بمیرد ؟

حضرت در جواب نوشت :

بسم الله الرحمن الرحيم فلما أحسوا^{۸۰} بأسنا قالوا آمنا بالله وحده و كفرنا بما كنا به

مشرکین ، فلم یک ینفعهم ایمانهم لما رأوا بأسنا ، سنة الله التي خلت فی عباده و

^{۸۰} . در آیه به جای کلمه أحسوا لفظ رأوا آمده است ، ممکن است اشتباه از راویان باشد و یا در قراءه امام صحیح آن أحسوا باشد .





خسر هنالك الكافرون^{۸۱}. پس متوکل دستور داد این مرد را زدند تا مرد^{۸۲}.

توبه در هنگام یقین به مرگ

اما اجماع منعقد است که توبه هنگام فرا رسیدن مرگ و یقین به فوت که از آن به معاینه تعبیر می شود صحیح نیست. و آیات و اخباری که دلیل مطلب است بیان گردید^{۸۳}.

برحسب آیه (و لیست التوبة للذین یعملون السیئات ثم اذا حضرا حدهم الموت) از کسانی که با بی توجهی و بی اعتنایی به اوامر و نواهی، زندگی خود را در معصیت و ظلم و گناه صرف کرده اند وقت معاینه مرگ، توبه نیست و مثل توبه فرعون در حال غرق شدن می باشد...^{۸۴}

و لیست التوبه للذین یعملون السیئات حتی اذا حضر أحدهم الموت قال إني تبت الان و لا الذین یموتون و هم کفار اولئک اعتدنا لهم عذاباً الیماً^{۸۵}.

کسی از امام صادق علیه السلام درباره تفسیر آیه و لیست التوبه... پرسید، حضرت

^{۸۱} . غافر ۸۴ و ۸۵

^{۸۲} . قدم إلى المتوکل رجل نصرانی فجر بامرأة مسلمة... .

^{۸۳} . علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه: و اما التوبه عند حضور الموت و تیقن الفوت و هو المعبر عنه بالمعاینه فقد انعقد الاجماع

على عدم صحتها و قد مر ما يدل علیه من آیات و الاخبار . بحار الانوار ج ۶ ص ۴۶

^{۸۴} . آیت الله صافی گلپایگانی، معارف دین ج ۱ ص ۳۹۱.

^{۸۵} . نساء ۱۸: کسی که به اعمال زشت اشتغال ورزد تا هنگامی که مرگ را مشاهده نماید در آن لحظه بگوید اکنون توبه کردم،

توبه اش پذیرفته نخواهد شد چنان که هر کس به حال کفر بمیرد نیز توبه اش قبول نشود بر این گروه عذابی بس دردناک مهیا

ساختیم .





فرمودند : این آیه ویژه زمانی است که امر آخرت در هنگام مرگ آشکار گردد.^{۸۶}
 و در روایت دیگر در تفسیر آیه حضرت می فرماید : این توبه (در حکم)
 فرار می باشد ، هنگامی توبه می نماید که توبه فایده ای برای او نداشته و از او پذیرفته
 نمی شود.^{۸۷}

و رسول خدا ﷺ می فرماید : توبه (هنگام) مرگ ، قبل از آشکار شدن (امر آخرت) ،
 پذیرفته می شود.^{۸۸}

تذکر : میرزای قمی^{۸۹} در کتاب سه رساله در نقد عرفان^{۹۰} به صورت مشروح شبهه
 ایمان فرعون را بررسی نموده است .

یک استفتاء

سؤال : نظر مبارکتان پیرامون محی الدین عربی که از زمره عرفاء است و کتب او همچون
 فصوص ، فتوحات . . . چیست ؟

بعضی از طلاب می گویند کتاب های این عارف مورد اعتماد نیست و مطالب خلاف شرع

^{۸۶} . سئل الصادق علیه السلام عن قول الله عزوجل : و لیست التوبه للذین یعملون حتی اذا حضر أحدهم الموت قال انی تبت الآن قال :

ذلک اذا عاین أمر الآخرة . بحار الانوار ج ۶ ص ۱۹ ح ۳

^{۸۷} . هو الفرار تاب حین لم ینفعه التوبه و لم یقبل منه . بحار الانوار ج ۶ ص ۳۲

^{۸۸} . من تاب قبل ان یتعین قبل الله توبته . بحار الانوار ج ۶ ص ۱۹ ح ۴

^{۸۹} . میرزا ابوالقاسم گیلانی معروف به میرزای قمی ، محقق قمی و فاضل قمی ، از دانشمندان شیعه قرن دوازدهم و سیزدهم هجری
 است .

^{۹۰} . سه رساله در نقد عرفان ص ۱۱۷ تا ۱۹۰ .





در آن است ، وارد مطالعه این سلک کتاب‌ها نشوید که دچار انحراف عقیدتی می‌گردید .
و عده‌ای در مقابل می‌گویند : مطالعه کتب این عارف اشکال ندارد و علاقه‌مند به مطالعه
در این زمینه هستند . ما را هدایت فرمایید .

آیت الله مکارم شیرازی : متأسفانه کتاب‌های او دارای بعضی مطالب خلاف واقع است و
به هیچ وجه مطالعه آن را توصیه نمی‌کنیم و اگر بعضی از بزرگان از او تمجیدی کرده‌اند
فقط در چیزهای خاصی بوده است .

آیت الله صافی گلپایگانی : خدمت حضرت آیت الله آقای مروارید دامت برکاته^{۹۱} یا
جناب مستطاب حجت الاسلام و المسلمین آقای سیدان دامت تأییداته^{۹۲} مراجعه نمایید و
به کتابی که اخیراً مرحوم حجت الاسلام آقای الهامی رحمة الله علیه در این موضوع
نوشته‌اند^{۹۳} نیز مراجعه نمایید ، خداوند تأیید فرماید^{۹۴، ۹۵} .

ادامه مطلب در پیام دین با عنوان اشک ، ابوطالب علیه السلام و اسماء متبرکه

^{۹۱} . مقصود ، مرحوم آیت الله حاج میرزا حسنعلی مروارید رحمته الله می‌باشد و این استفتاء مربوط به زمان حیات آن مرحوم است لذا
برای آشنایی با نظر مبارک ایشان در این زمینه ، می‌توانید به فرزند گرانقدر ایشان حضرت آیت الله حاج مهدی آقا مروارید
دامت برکاته مراجعه فرمایید .

^{۹۲} . محقق عظیم الشأن و استاد گرانمایه حضرت آیت الله حاج سید جعفر سیدان دامت برکاته .

^{۹۳} . داوری‌های متضاد درباره ابن عربی تألیف حجت الاسلام داوود الهامی .

^{۹۴} . استفتاء خصوصی کتبی .

^{۹۵} . همچنین برای آشنایی بیشتر با افکار این شخصیت منحرف می‌توانید به مجموعه پیام دین با عنوان حضرت ابوطالب علیه السلام ج ۲ و

عنوان اشک ج ۲ مراجعه فرمایید .



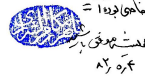


منابع احکام قرآن جلد اول و دوم

- آوای توحید پیام امام خمینی به گورباچف و شرح نامه به قلم جوادی آملی چاپ چهارم زمستان ۱۳۷۲ ناشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی .
- أجوبة الاستفتاءات مقام معظم رهبری فارسی چاپ چهلم ۱۳۸۷ ناشر شرکت چاپ و نشر بین الملل .
- أجوبة الاستفتاءات مقام معظم رهبری عربی چاپ سوم ۱۴۲۰ ق دار الاسلامیه بیروت .
- استفتائات جدید آیت الله تبریزی ج ۱ چاپ سوم ۱۳۸۵ انتشارات سرور .
- استفتائات جدید آیت الله مکارم ج ۱ چاپ سوم ۱۳۸۶ انتشارات مدرسة الامام علی بن ابی طالب علیه السلام .
- استفتائات جدید آیت الله مکارم ج ۲ چاپ دوم ۱۳۸۵ انتشارات مدرسة الامام علی بن ابی طالب علیه السلام .
- استفتائات جدید آیت الله مکارم ج ۳ چاپ سوم ۱۳۸۶ انتشارات مدرسة الامام علی بن ابی طالب علیه السلام .
- استفتائات مرحوم امام ج ۱ چاپ پنجم ۱۳۸۰ دفتر انتشارات اسلامی
- استفتائات مرحوم امام ج ۳ چاپ اول ۱۳۸۲ دفتر انتشارات اسلامی .
- استفتائات آیت الله شاهرودی چاپ دوم ۱۳۸۸ ناشر آل مرتضی علیهم السلام .
- استفتائات از محضر آیت الله اراکی چاپ اول ۱۳۷۳ نشر معروف .
- استفتائات از محضر آیت الله بهجت ج ۱ چاپ اول ۱۳۸۶ ناشر دفتر معظم له .

استفتائات خصوصی کتبی مؤلفین نشریه پیام دین .
 خدمت حضرت آیت الله العظمی بروجردی قدس سره
 مستطاب علیهم السلام
 در جواب سئوالی که در خصوص
 رتبه علمیه در این موضوع است از حضرت آیت الله العظمی
 خاتمی تهرانی در تاریخ ۱۸/۱۱/۸۳

ج - الوعدت بحسب الحق لازم است .
 ج - جایز نیست .



بسم الله تعالی
 این یادداشت تعدیلات مصدق است و اقامه تعزیرات قرآن کریم بر رأی است،
 که در اجازات شریعتی وارد شده (من نشر القرآن بر رأیه فلیتبعه و متعود
 من الناس) اعدان الله وایا کلمتها .



فتمت
 حجت آیت الله العظمی بروجردی
 رجب ۱۳۸۷

ج - بخلاف آن است هر چند کلمات درسی مستحق نیست ولی در دفتر عرف توهمین
 صدق می کند . و الله اعلم

ج ۵ - اگر تکلیف غیر باشد و ندادند که الاک راضی است یا نه ، جایز نیست و اگر وقف
 باشد با اجازه متوفی مخصوص و در صورت نداشتن متوفی با اذن جهت اشکال ندارد و تا سال
 ۱۸ رجب المرجب ۱۴۲۶

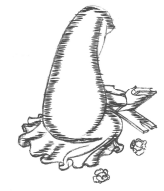


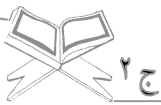
بسم الله تعالی
 لازم نیست .
 بسم الله تعالی
 صرف رنگ غیر با وضو جایز نیست مگر با مجوز شرعی .
 بسم الله تعالی
 لازم نیست و بهتر است .
 بسم الله تعالی
 بدون اجازه جایز نیست .



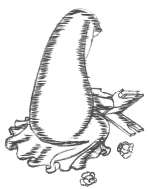
✓ از تمامی عزیزانی که در گردآوری مجموعه پیام دین تاکنون همکاری نموده اند ، تقدیر و تشکر می نمایم ، به خصوص
 برادر ارجمند و گرامی جناب حجة الإسلام محمد قاضی زید عزه الشریف .

فصل الخطاب





- استفتاء خصوصی کتبی از مراجع معظم تقلید توسط واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهراء حوزه علمیه قم .
- استفتائات قرآنی حجة الاسلام شیخ غلامرضا نیشابوری چاپ اول ۱۳۷۵ انتشارات سید جمال الدین اسد آبادی .
- الإحتجاج علامه أبی منصور طبرسی ج ۱ چاپ دوم ۱۴۱۶ ق انتشارات أسوه .
- الفوائد الفقهية آیت الله سیستانی گردآورنده : شیخ محمد کاظم جشی چاپ اول ۱۴۲۷ ق دارالولاء للطباعة و النشر و التوزيع بیروت .
- العروة الوثقی آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی با تعلیقه مرحوم امام ، اراکی ، خویی ، گلپایگانی چاپ اول ۱۴۱۰ ق دارالاسلامیه بیروت .
- العروة الوثقی آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی با تعلیقه مرحوم امام ، خویی ، گلپایگانی ، مکارم شیرازی چاپ اول ۱۳۸۶ ناشر مدرسة الامام علی بن ابی طالب علیه السلام .
- العروة الوثقی آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی با تعلیقه مرحوم امام ، خویی ، سیستانی ، صانعی ، فاضل لنکرانی چاپ دوم ۱۴۲۸ ق ناشر منشورات میثم تمار .
- بحار الأنوار علامه مجلسی ج ۱۱ چاپ سوم ۱۳۶۳ دار الکتب الإسلامیه .
- بحار الأنوار علامه مجلسی ج ۲۸ چاپ سوم ۱۳۷۵ انتشارات اسلامیه .
- بحار الأنوار علامه مجلسی ج ۷۲ چاپ سوم ۱۳۷۴ کتابفروشی اسلامیه .
- بحار الأنوار علامه مجلسی ج ۶ ناشر دار الکتب الإسلامیه .
- تفسیر القرآن الکریم صدر الدین شیرازی چاپ دوم ۱۳۶۶ ش ناشر بیدار .
- توضیح المسائل مراجع سیزده مرجع سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی چاپ دوازدهم ۱۳۸۴ دفتر انتشارات اسلامی .
- توضیح المسائل آیت الله وحید خراسانی چاپ بیست و هشتم ۱۳۹۲ ناشر مدرسة الامام باقرالعلوم علیه السلام .
- توضیح المسائل آیت الله سید محمد حسینی شاهرودی چاپ یازدهم ۱۳۸۴ ناشر آل المرتضی علیهم السلام .
- توضیح المسائل آیت الله بهجت چاپ صد و هفدهم ۱۳۸۸ ناشر دفتر معظم له .
- تحریرالوسیله امام خمینی چاپ دهم ۱۴۲۵ ق مؤسسة النشر الاسلامی .
- جامع الاحکام آیت الله صافی گلپایگانی ج ۱ و ۲ چاپ چهارم ۱۳۸۵ مؤسسه انتشارات حضرت معصومه سلام الله علیها .
- جامع المسائل آیت الله فاضل لنکرانی ج ۱ چاپ یازدهم مطبوعاتی امیر .
- جامع المسائل آیت الله فاضل لنکرانی ج ۲ چاپ یازدهم ۱۳۸۳ انتشارات امیر العلم .
- جلوه حق آیت الله مکارم شیرازی چاپ چهارم ۱۳۸۷ انتشارات نسل جوان قم .
- دریای عرفان شرح حال سید علی قاضی طباطبائی . هادی هاشمیان چاپ اول ۱۳۷۹ ناشر مؤسسه فرهنگی طه .
- دومین یادنامه طباطبایی چاپ اول آبان ۱۳۶۳ ناشر مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی .
- راه رستگاری آیت الله سید عز الدین زنجانی چاپ سوم ۱۳۸۸ ناشر مؤسسه بوستان کتاب قم .





- رساله الإثنی عشریة فی الرد علی الصوفیة علامه شیخ حر عاملی چاپ سوم ۱۳۸۱ ش ناشر مکتبه المحلاتی .
- سؤال و جواب آیت الله حاج سید محمد کاظم طباطبایی یزدی با تحقیق دکتر سید مصطفی محقق داماد چاپ اول ۱۴۱۵ ق مرکز نشر علوم اسلامی .
- سه رساله در نقد عرفان میرزا ابوالقاسم بن حسن گیلانی (میرزای قمی) چاپ اول ۱۳۸۸ چاپ زیبا نگار بنیاد پژوهشهای اسلامی مشهد .
- شرح فصوص الحکم عبد الرحمن جامی چاپ اول ۱۴۲۵ ق ناشر دار الکتب العلمیه - بیروت لبنان .
- شرح فصوص الحکم محمد داود دقصری رومی به کوشش سیدجلال آشتیانی چاپ اول ۱۳۷۵ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی .
- شرح مبسوط منظومه مرتضی مطهری ج ۱ چاپ ششم زمستان ۱۳۶۹ انتشارات حکمت .
- صراط النجاة آیت الله تبریزی ج ۶ چاپ اول ۱۴۲۳ ق دار الصدیقه الشهیده علیها السلام .
- صراط النجاة آیت الله تبریزی ج ۹ چاپ اول ۱۴۲۶ ق دار الصدیقه الشهیده علیها السلام .
- صراط النجاة آیات عظام خوئی و تبریزی چاپ دوم ۱۴۲۶ ق ناشر مدین .
- عارف و صوفی چه می گویند ؟ آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی چاپ هشتم ۱۳۶۹ ناشر : بنیاد بعثت .
- فتوحات ابن عربی ۸ جلدی ۱۴۲۷ - ۱۴۲۸ ق ناشر دار الفکر بیروت لبنان .
- فرهنگ عمید حسن عمید چاپ سیزدهم ۱۳۷۷ مؤسسه انتشارات امیرکبیر تهران .
- قصص العلماء میرزا محمد تنکابنی چاپ دوم تابستان ۱۳۶۴ ناشر انتشارات علمیه اسلامیة .
- کافی ثقة الإسلام کلینی ج ۷ چاپ دوم ۱۳۶۲ ناشر دار الکتب الإسلامیه .
- کلیات علوم اسلامی مرتضی مطهری ج ۲ چاپ بیست و نهم مرداد ۱۳۸۴ انتشارات صدرا .
- مجمع المسائل آیت الله گلپایگانی ج ۱ چاپ سوم ۱۳۶۹ ناشر دار القرآن الکریم قم .
- مجمع المسائل آیت الله گلپایگانی ج ۴ چاپ دوم ۱۴۰۹ ق ناشر دار القرآن الکریم قم .
- معارف دین آیت الله صافی گلپایگانی ج ۱ چاپ نهم پاییز ۱۳۸۵ ناشر دفتر نشر آثار معظم له .
- ممدآلهمم در شرح فصوص الحکم حسن زاده آملی چاپ سوم ۱۳۸۵ سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی .
- منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه میرزا حبیب الله هاشمی خویی ج ۱۳ چاپ دوم ۱۳۸۸ ق مکتبه الاسلامیه تهران .
- منهاج الصالحین آیت الله خویی چاپ اول ۱۴۲۷ ق ناشر دار المرتضی بیروت .
- منهاج الصالحین آیت الله وحید خراسانی چاپ پنجم ۱۳۸۵ ناشر مدرسه الامام باقر العلوم علیه السلام .
- منهاج الصالحین آیت الله سیستانی چاپ اول ۱۴۲۷ ق ناشر دفتر معظم له قم .
- منهاج الصالحین آیت الله تبریزی چاپ اول ۱۴۲۶ ق ناشر مدین .
- نهج البلاغه محمد دشتی چاپ اول تابستان ۱۳۸۷ انتشارات سادات رضوی .
- وسائل الشیعة شیخ حر عاملی چاپ هفتم ۱۳۷۲ ناشر کتابفروشی اسلامیة .





- وسیلة النجاة آیت الله بهجت چاپ دوم ۱۳۸۱ ناشر دفتر معظم له .
- هدایة العباد آیت الله گلپایگانی چاپ اول ۱۴۱۳ ق دارالقرآن الکریم .
- هدایة العباد آیت الله صافی گلپایگانی چاپ اول ۱۴۱۶ ق دارالقرآن الکریم .
- هزار و یک مسأله فقهی آیت الله نوری همدانی ج ۱ چاپ چهارم ۱۳۸۳ مؤسسه مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه .

فهرست

۱۶	• استفتاء	۱	• اهانت به قرآن
۱۷	• داستان حضرت نوح <small>علیه السلام</small> در قرآن	۲	• توهین از روی خشم و غضب
۲۱	• یک روایت	۴	• ارتداد در صورت قصد و اراده
۲۱	• نتیجه مطالب	۴	• تکلیف دیگراندر برابر اهانت کننده
۲۲	• ابن عربی و ایمان فرعون!	۴	• تفسیر به رأی و تأویل نابجا
۲۴	• جواب میرزای قمی <small>رحمته</small>	۵	• تفسیر به رأی عیب بزرگ تصوف
۲۵	• آیت الله عزالدین زنجانی	۷	• سران صوفیه و تفاسیر نابجا
۲۵	• بدترین حالات در جهنم	۸	• تفسیر و تأویل یا شیطنت و اهانت به قرآن
۲۷	• توبه کسی که موجب انحراف دیگران است	۱۱	• تأویل قرآن یا بهتان و افترا
۲۸	• یک آیه	۱۱	• تأویل کلام خدا با عقاید باطل
۲۹	• مشاهده عذاب و داستان مرد مسیحی	۱۴	• آیات مربوط به حضرت نوح <small>علیه السلام</small>
۳۰	• توبه در هنگام یقین به مرگ	۱۴	• انحراف ابن عربی در این آیات
۳۱	• یک استفتاء	۱۶	• میرزای قمی <small>رحمته</small>

نشریه پیام دین

موضوع :	احکام قرآن ج ۲	مدیر مسئول :	علی صادقی موحد
تاریخ تألیف :	مرداد ۱۳۸۹	صاحب امتیاز :	احمد سعید کریمی
تاریخ بازبینی :	خرداد ۱۳۹۹	طرح جلد :	علی اصغر حقانی

